



فصل پنجم «پیداگ پنهان»

اهداف یادگیری و انتظارات بعد از مطالعه

- ۱_ تقویت توانایی دریافت مفهوم کلی متن و اجزای آن (تفکر)
- ۲_ تقویت توجه مثبت نسبت به ارزش ها و آموزه های اسلامی (ایمان)
- ۳_ خوانش متن با لحن مناسب (عمل)
- ۴_ آشنایی بیشتر نسبت به نظم و هماهنگی در ساختار جهان آفرینش (علم)
- ۵_ به کارگیری رفتارهای مناسب اخلاقی با پیروی از پیشوایان دینی (اخلاق)
- ۶_ آشنایی بیشتر با قید در ساختار جمله (علم)
- ۷_ کاربرست آموزه های محتوایی درس در حوزه مهارت های نوشتاری رفتاری و رفتاری (عمل)



درس چهاردهم

جهان، جمله، فروغ روی حق دان حق اندر وی ز پیدایی است، پنهان

(محمود شبستری)

مفضل، روزی در نزدیک مزار شریف پیامبر اکرم (ص) نشسته بود که دید شخصی
با یکی از دوستانش به آنجا آمده است و در ضمن صحبت هایش وجود خدا و نبوت را رد
می کند. مفضل به شدت به سخنان او اعتراض کرد و آن کمره، جواب گفت که اگر از
شاگردان جعفر بن محمد (ع) هستی، باید بدانی که او زیاده از این، سخنان ما را شنیده و

جهان جمله فروغ روی حق دان

حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

معنی: تمام پدیده های جهان نمایانگر وجود عظمت خداوند است. خداوند از شدت آشکاری در پدیده ها،
پنهان به نظر می رسد

با متانت جواب گفته است؛ لذا تو هم شایسته با ما سخن بگو.
مفضل، اندوهناک، نزد امام صادق (ع) رفت و ماجرا را برای ایشان گفت. امام
در پاسخ، حکمت‌های آفرینش را این گونه بیان فرمودند:
ابتدا می‌کنم ای مفضل، به یاد کردن خلقت انسان. پس، عبرت گیر از آن. تفکر
کن ای مفضل، در همه اعضای بدن و تدبیر آنها که هر یک برای هدفی و حاجتی آفریده
شده‌اند؛ دست‌ها برای کار کردن، پاها برای راه رفتن، چشم‌ها برای دیدن. همچنین اگر
در جمیع اعضا تأمل کنی، می‌بینی هر یک برای کاری خلق شده‌اند.
مفضل گفت: ای مولای من! گروهی می‌گویند که اینها کار طبیعت است.

معنی: کار طبیعت است: جزو ذات طبیعت است. (طبیعت گرایان پندار و تصور واهی دارند و می‌گویند که

تمام آفریده‌های جهان جزو ذات طبیعت است)

حضرت فرمود: پرس از ایشان که آیا این طبیعت که شما می‌گویید، علم و قدرت دارد بر این کارها یا نه؟ اگر گویند که علم و قدرت دارد، پس به خدا قائل شده‌اند و او را «طبیعت» نام کرده‌اند؛ زیرا معلوم است که طبیعت را شعور و اراده نیست؛ و اگر گویند که طبیعت را علم و اراده نیست، پس معلوم است که این کارها از طبیعت بی‌شعور، صادر نمی‌شود.

معنی: آیا این طبیعت که شما می‌گویید، علم و قدرت دارد بر این کارها یا نه؟ = آیا طبیعت علم و قدرت انجام دادن این افعال و کارها را دارد یا نه؟
طبیعت را شعور و اراده نیست: طبیعت، درک و فهم و اختیار ندارد.

ای مفضل! چه کسی دل را در میان سینه قرار داده و پنهان کرده و پیراهنی که پرده دل است، بر روی آن پوشانیده و دنده‌ها را بر بالای آن حافظ گردانیده، با گوشت و پوستی که بر روی دنده‌ها قرار داده، برای آنگه از خارج، چیزی بر آن وارد نشود که موجب جراحت آن گردد؟ چه کسی شش را با ذبن دل قرار داده که پیوسته در حرکت است و باز نمی‌ایستد؟ برای آنگه حرارت در دل جمع نشود که آدمی را تلف کند.

ای مفضل! اکنون تأمل کن در قوه‌ها و فواید آنها که حق تعالی در وجود انسان قرار داده

معنی: جمله «پیراهنی که پرده آن دل است»، به این مطلب اشاره دارد که قلب در میان دو پرده قرار گرفته است تا راحت‌تر کارش را انجام دهد. در حقیقت این پرده مانند پیراهنی است که قلب را در بر گرفته و از آن محافظت می‌کند

آدمی را تلف کند = انسان را نابود کند

آرایه: پرده دل مانند پیراهن = تشبیه

شش را با ذبن دل قرار دادن = آرایه تشبیه

است. اگر از این قوه‌ها حافظه را نمی‌داشت، چگونه بود حال او و چه خلل‌ها داخل می‌شد در امور و زندگانی و کارهای او! زیرا در خاطرش نمی‌ماند که از او چه در نزد مردم است و از مردم چه در نزد اوست؛ چه داده است و چه گرفته است و در خاطرش نبود آنچه را دیده و آنچه را شنیده و آنچه گفته و آنچه به او گفته‌اند و به یاد داشت که چه کسی به او نیکی کرده و چه کسی به او بدی کرده است و چه چیز نفع دارد او را و چه چیز ضرر دارد.

معنی : چگونه بود حال او = حال و روز او چگونه بود

از چه در نزد مردم است = طلب هایش از مردم چیست؟

از مردم چه در نزد اوست = بدهی هایش به مردم چیست؟

چه داده است و چه گرفته است = به مردم چه چیزهایی را داده است و چه چیزهایی را از مردم گرفته است.

در خاطرش نبود آنچه را دیده و آنچه را شنیده و آنچه گفته و آنچه به تو او گفته‌اند = آنچه را دید است و شنیده است و گفته است و آنچه را به او گفته‌اند در حافظه‌اش نبود. و به یاد نداشت که چه کسی به او نیکی کرده و چه کسی به او بدی کرده است و چه چیز نفع دارد و چه چیز ضرر دارد = اینکه چه کسی به او خوبی کرده است و چه کسی به او بدی کرده است و چه چیزی برای او سود دارد و چه چیزی ضرر دارد. در ذهن و حافظه‌اش نبود

و نعمت فراموشی در آدمی، اگر تأمل کنی، عظیم تر است از نعمت یادآوری. اگر فراموشی در آدمی نبود، هیچ کس از مصیبتی آرامش نمی یافت و کیسه هیچ کس از سینه اش بیرون نمی شد و از هیچ یک از نعمت های دنیا بهره مند نمی شد؛ برای آنکه آسیب هایی که بر او وارد شده، همیشه در برابر او بود و امید نداشت که شخصی که دشمن اوست، از احوال او غافل گردد؛ یا حسودی، لحظه ای از فکر او بپردازد. پس نمی بینی که خداوند حکیم حافظه و فراموشی را در آدمی قرارداده و هر دو ضد یکدیگرند؟ در هر یک مصلحتی هست که وصف نمی توان کرد.

و نعمت فراموشی در آدمی، اگر تأمل کنی، عظیم تر است از نعمت یادآوری

معنی: اما نعمت فراموش کردن اتفاقات در انسان، اگر اندیشه بکنی، بزرگ تر از نعمت به خاطر آوردن آن اتفاقات است

آرایه: فراموشی و یادآوری ← تضاد

حسودی، لحظه ای از فکر او بپردازد. (پرداختن از چیزی) معنای (فراغت یافتند، بیرون آمدن، به انجام رساندن، و کنار نهادن) دارد پرداختن به چیزی که معنای (مشغول شدن) دارد. / حافظه و فراموشی = تضاد، تناسب

ای مفضل، درباره آن صفتی که از میان سایر حیوانات، ویژه انسان است،
تفکر کن که آن «جیا» است. اگر جیا نمی بود، هیچ کس ممانداری نمی کرد و وفا به وعده ها
نمی نمود و نیازهای مردم را بر نمی آورد؛ به کسی نیکی نمی کرد و از بدی ها دوری نمی کرد؛ حتی
بسیاری از امور را مردم برای جیا به عمل می آورند؛ زیرا برخی از مردم اگر از یکدیگر شرم
نمی کردند، حق پدر و مادر را نیز به جای نمی آوردند و صله رحم و احسان به خویشان نمی کردند
و امانت های مردم را پس نمی دادند و ترک معاصی نمی کردند.

معنی: ترک معاصی نمی کردند = از گناهان دست بر نمی داشتند

پس، داده است خداوند علیم به آدمی آنچه صلاح دین و دنیای او در آنهاست و منع کرده است از آدمی، دانستن امری چند را که در شأن و طاقت او نیست دانستن آنها؛ مانند امور آینده و آنچه در دل های مردم است و مانند اینها.

تأمل کن ای مفضل، در مصلحت پنهان کردن عمر هر کس از او، زیرا که اگر مقدار عمر خود را بداند، اگر عمرش کوتاه باشد، زندگی بر او ناگوار خواهد بود و اگر بداند که عمرش دراز خواهد بود، امید بقا خواهد داشت.

معنی: منع کرده است از آدمی، دانستن امری چند را که در شأن و طاقت او نیست دانستن آن ها؛ مانند:.....= خداوند دانا از انسان دانستن چند کاری را که آگاهی از آنها در شان و طاقت (حد و اندازه) او نیست، منع نکرده است مانند آگاهی از کارهای آینده و آنچه در دلهای مردم می گذرد و غیره....

زندگی بر او ناگوار خواهد بود= از زندگی لذت نمی برد (همواره در انتظار مرگ است)

امید بقا خواهد داشت= امید زندگی طولانی را داشت

و بدان ای مفضل! که نیاز اصلی آدمی به زندگانی، نان و آب است. پس نظر کن که چگونه تدبیر کرده است در این دو چیز؛ زیرا که چون آدمی را احتیاج به آب، شدیدتر است از احتیاج به نان، بنا بر آنکه صبر او بر گرسنگی زیاده است از صبر بر تشنگی، و احتیاجش به آب بیشتر است از احتیاج به نان؛ لذا آب را فراوان گردانده است.

معنی: بنا بر آن که صبر او بر گرسنگی، زیاده است از صبر بر تشنگی = زیرا تحمل انسان در برابر گرسنگی از صبر و تحمل در برابر تشنگی، بیشتر است.

و اگر آدمی را هرگز دردی نمی‌رسید، به چه چیز ترک می‌کرد گناهان را و به چه چیز تواضع می‌کرد برای خدا و تضرع می‌کرد نزد او؟ و به چه چیز مهربانی می‌کرد به مردم و صدقات می‌نمود به مساکین؟ نمی‌بینی کسی را که به دردی دچار شد، خضوع می‌کند و به درگاه خدا روی می‌آورد و طلب عافیت می‌کند و دست می‌کشد به دادن صدقه؟ پس نمی‌بینی که حکیم علیم در هر امری، آنچه به عمل آورده، همه موافق حکمت است و راه خطا در آن نیست؟

مفضل گفت: چون سخن بدیجا رسید، مولای من فرمود: برو، و آنگاه خود به نماز ایستاد. پس من شاد و خوشحال برگشتم به آنچه از معرفت مرا حاصل شد و خدا را حمد کردم.

معنی:

دست گشودن = کنایه از بخشنده بودن

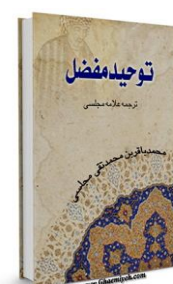
همه موافق حکمت است = همه مطابق با علم و دانش و عدل و داد است

مرا حاصل شد = برای من حاصل شد



علامه
مجلسی
مترجم
کتاب

بعد از
چهار جلسه
کتاب را
نوشت



مؤلف
مفضل بن
عمر
الکوفی

بزرگ
ترین
دانشمند

در دوره
صفوی

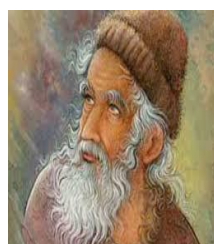


تولد
۱۰۳۷
اصفهان

۱۱۱۱
وفات در
اصفهان

اثر
معروف
بحار
الانوار

ارامگاه وی
در همدان
است



بابا طاهر
عریان
همدانی

اثر ترانه و
دوبیتی
محلی

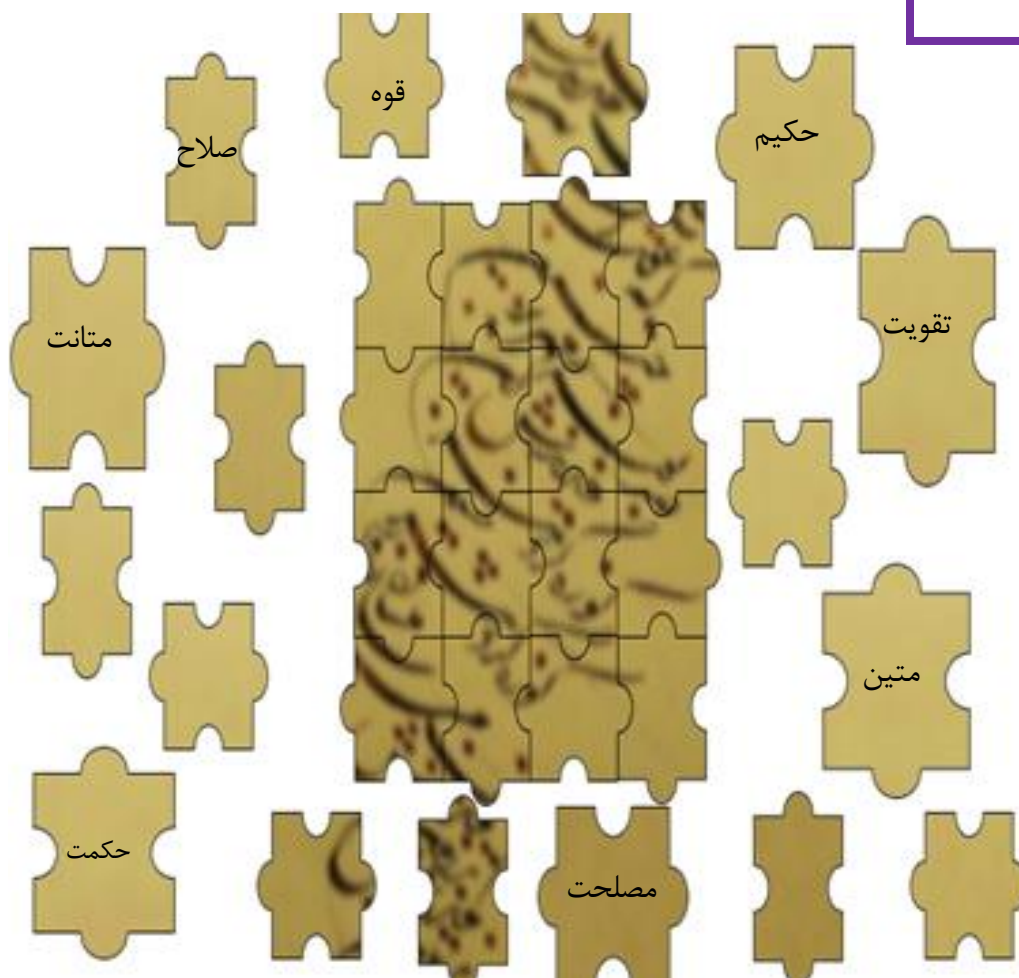
شاعر و
عارف دوره
سلجوقی



فروغ	پرتو-روشنایی
متانت	سنگینی در رفتار-وقار و استواری
تدبیر	چاره اندیشی- پایان کار هارا پیس بینی کردن
مصیبت	بلا و سختی بزرگ
مصلحت	خیر اندیشی- نیک خواهی
حیا	خجالت-شرمساری
صله رحم	پیوند با خویشان -محبت به نزدیکان
معاصی	گناهان – جمع معصیت
صلاح	نیکی- درستی- مصلحت
تواضع	فروتنی کردن
تضرع	زاری کردن – حالت التماس و دعا
خضوع	فروتنی کردن -تواضع
حکمت	دانش- علم به حقایق اشیا
معرفت	شناخت- علم

هم خانواده

کلمات هم خانواده را از
میان پازل پیدا کنید و
در ذیل تصویر ذکر کنید

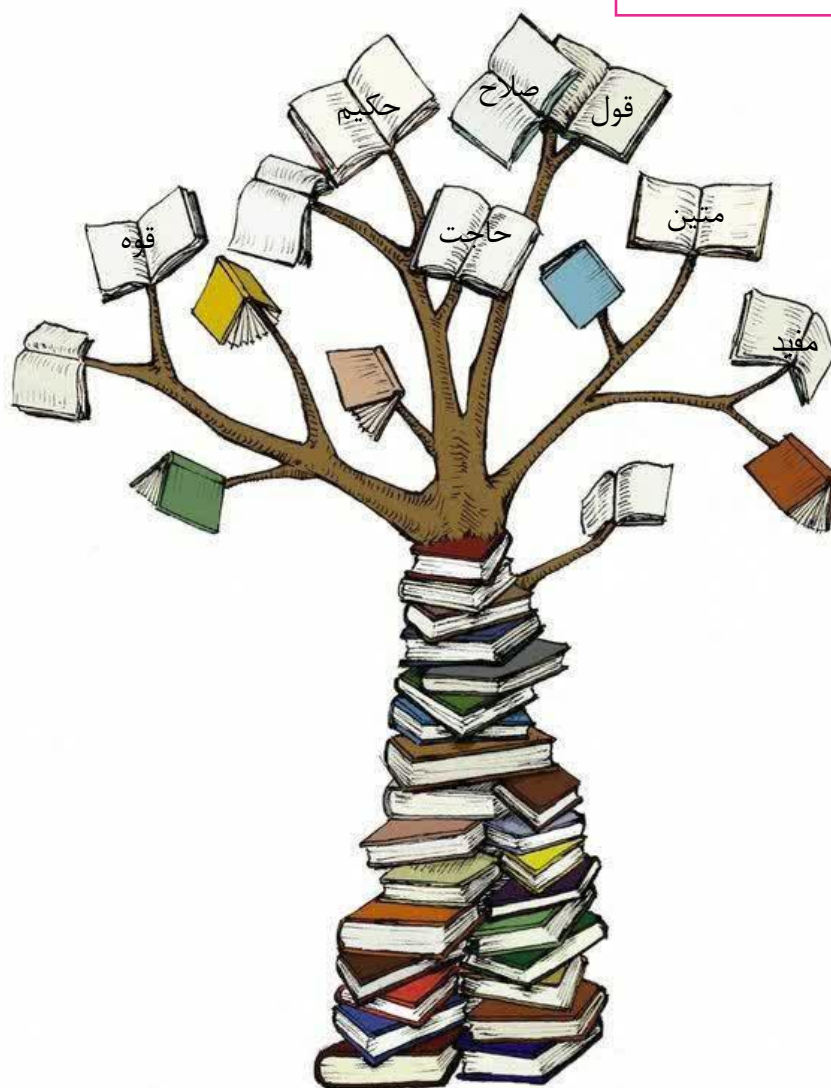


هم خانواده ی کلمات داده

شده را در قالب جمله ای

از متن درس بیابید و

بنویسید.





خود ارزیاپی

پاسخ شخص گمراه به مفضل چه بود؟ 1.

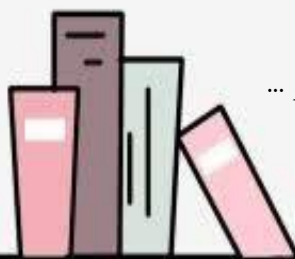
اگر از شاگردان جعفر بن محمد هستی باید بدانی که او زیاده از این سخنان ما را شنید و با متانت جواب گفته است. لذا تو هم شایسته با ما سخن بگو

این درس را با درس اول (آفرینش همه ...) مقایسه کنید و شباهت های آن ها 2.

را بیان کنید. هر دو وجود خدا و نبوت را بیان نموده اند. اینکه هر نعمتی که خدا به ما داده و آفریده است برای شکرگزاری است، نعمت هایی که ما را به عظمت و بزرگی خداوند رهنمون می سازد

چرا خداوند بزرگ نعمت تفکر و اندیشیدن را به انسان ها 3. بخشید؟

تا در آنچه آفریده اندیشه کنیم و به حکمت و هدف آفریده ها فکر کنیم. بیندیشیم که خداوند هر یک را برای چه کاری خلق کرده است. درباره ی نیرو هایی که خداوند در وجود انسان خلق کرده و نعمت هایی مانند یادآوری و فراموشی و ... فکر کنیم و تصور کنیم که اگر این آفریده ها نبودند چه اتفاقی می افتاد





دانش زبانی و ادبی

به جمله های زیر دقت کنید

مفضل، اندوهناک، نزد امام صادق (ع) رفت *

*. مریم، امروز مشتاقانه کتاب می خواند

علی، خوب سخن می گوید *

همان گونه که در جمله های بالا می بینید کلماتی مانند: «اندوهناک، امروز مشتاقانه و خوب» توضیحاتی درباره نهاد یا فعل جمله می دهند به عنوان نمونه در جمله اوّل «اندوهناک» چگونگی و حالت «مفضل» را بیان می کند و در جمله دوم، کلمه (امروز) زمان فعل «خواندن» را مشخص میکند، به این نوع واژه ها «قید» می گویند، قید کلمه یا ترکیب هایی هستند که مفهوم حالت، زمان، مکان، تردید، یقین، تکرار و ... را به جمله، می افزایند، قید از ارکان اصلی جمله نیست و حذف آن هیچ آسیبی از دید معنایی در جمله پدید نمی آورد، هر جمله می تواند قیدهایی گوناگون داشته باشد؛

قیدها جای ثابتی در جمله ها ندارند

گفت و گو کنید

درباره تاثیر صله رحم و احسان به خویشاوندان ، با یکدیگر گفت‌وگو کنید -1

در اندیشه های اسلامی، حفظ و گسترش روابط فامیلی و ارتباط صمیمانه با خویشاوندان اهمیتی بسیار دارد تا آنجا که به فرموده پیامبر(ص) قطع صله رحم باعث قطع رحمت الهی می‌شود. در ضمن دیدار با خویشاوندان باعث انس و الفت بیشتر می‌شود. دوستی ها را پابرجا کینه ها را دور و تخم محبت در دل هامي‌کارد

درباره آیات ۳ و ۴ سوره «الرحمان»: «خداوند انسان را آفرید (و) به او نطق و بیان آموخت» بحث کنید و -۲

نتیجه را به کلاس گزارش دهید، این سوره که عروس قرآن لقب گرفته است انسان را مورد خطاب قرار داده است و نعمت های مادی و معنوی را برشمرده و فرموده که این نعمت ها را فراموش نکنید، در آیات دو و سه نیز خداوند به آموختن نطق و بیان و آفرینش انسان که از مهمترین نعمت های الهی هستند اشاره دارد، در واقع ابتدا به تعلیم قرآن که نخستین و مهم ترین نعمت است اشاره کرده و حتی آن را قبل از خلقت و آفرینش انسان آورده است.





نوشتن

1. ده واژه را که ارزش املائی دارند، از متن درس بیابید و بنویسید.

مفضل، نبوت، اعتراض، شدت، متانت، اندوهناک، حکمت، تفکر، تأمل، قائل

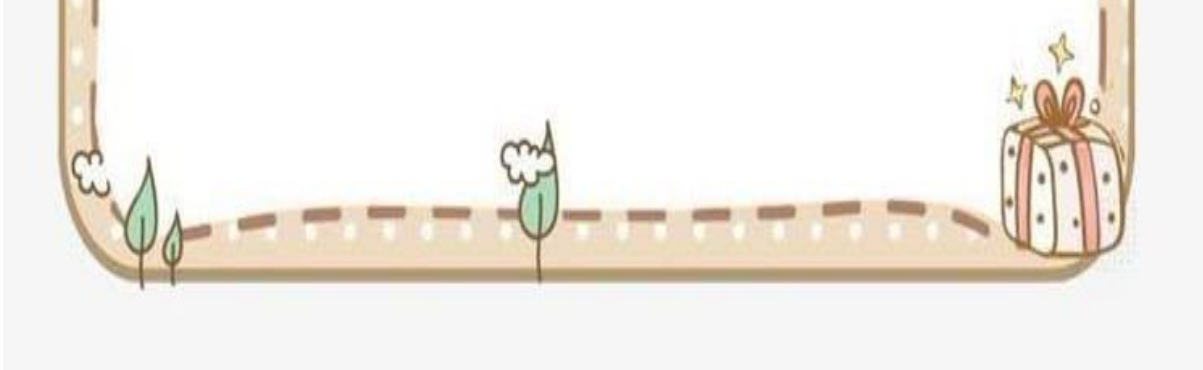
2. جمله های زیر را با دقت بخوانید و قید های آن را مشخص کنید.

الف) تو هم شایسته سخن بگو: هم قید تأکید، شایسته قید کیفیت

ب) من فعلاً کاری ندارم: فعلاً قید زمان

پ) محمد چرا دیروز غایب بود: چرا قید پرسش و دیروز قید زمان

ت) همایون، دوباره برنده شد: دوباره قید تکرار



نوشتن

بیت زیر را بخوانید و ارتباط آن را با متن درس، در یک بند بنویسید. 3.

جهان چون زلف و خط و خال ابروست
که هر چیزی به جای خویش
نیکوست

جهان نیز مانند اعضای بدن انسان است و اگر در آفرینش خود دقت کنیم، هر چیزی در جای خودش خوب است. مثلاً اگر چشم‌ها بالای سر قرار می‌گرفت یا موارد دیگر چه اتفاقی می‌افتاد؟ پس قطعاً خداوند به هر چیزی علیم و حکیم است.





بود قدر تو افزون از ملایک

قالب شعر دو بیتی

کز او گرم است بازار محبت

دلی دیرم خریدار محبت

ز پود محنت و تار محبت

لباسی دوختم بر قامت دل

معنی :

خدایا دلی دارم که خواستار و خواهان محبت است و از این دل است که بازار محبت و دوستی گرم و پررونق است.

برای دلم لباسی به اندازه دوخته ام لباسی که با تار و پود محبت بافته شده است.

آرایه: مراعات نظیر (خریدار ، بازار)، کنایه (گرم بودن بازار ، رونق داشتن)

مراعات نظیر (لباس ، تارپود)، تشخیص (قامت دل)، جناس (محنت ، محبت)

بود درد مو و درمانم از دوست	بود وصل و هجرانم از دوست
اگر قصابم از تن واکره پوست	جدا هرگز نگردد جانم از دوست

معنی: درد و درمان من هردو از جانب معشوق یار است وصل و دوری من نیز از معشوق دوست است حتی اگر قصاب از تن من پوستم را جدا کند هرگز جانم از دوستت جدا نمی‌شود

آرایه: تضاد (درمان و درد)، (وصل، هجران)، واج آرایی (د)

جناس (دوست، پوست)

به قبرستان گذر کردم کم و بیش	دیدم قبر دولتمند و درویش
نه درویش بی کفن در خاک رفته	نه دولتمند برده یک کفن بیش

معنی: کمابیش در قبرستان گشتم و قبر ثروتمند و فقیر را دیدم و فهمیدم که نه فقیر بی کفن در خاک دفن شده است نه ثروتمند بیشتر از یک کفن با خود برده است

آرایه: تضاد: (کم و بیش)، (دولتمند و درویش)، مراعات نظیر (قبرستان و قبر)

تکرار (کفن)، تضاد (درویش، دولتمند)

مطیع نفس شیطانی چه حاصل

دلا، غافل ز سبحانی چه حاصل

قدر خود نمی دانی چه حاصل

بود قدر تو افزون از ملائک تو

معنی: ای دل چرا از خداوند پاک و منزّه بی خبری از این بی خبری چه فایده‌ای می‌بری و از این فرمان بر نفس اماره و شیطان هستی چه استفاده‌ای می‌بری ارزش انسان بالاتر از ارزش فرشته هاست تو قدر و منزلت و ارزش خودت را نمیدانی چه فایده‌ای دارد

آرایه: تکرار (قدر)

جهان با این فراخی تنگت آیو

مکن کاری که بر پا سنگت آیو

تو وینی نامه‌ی خودت تنگت آیو

چو فردا نامه خوانان نامه خوانند

معنی: کاری انجام نده که در مقابل پایت سنگ (مشکلات) به وجود آید و جهان با این وسعت و بزرگی برای تو تنگ و تاریک باشد زمانی که در روز قیامت پرونده را بررسی می‌کنند و نامه اعمال را می‌خوانند نامه خود را بینی و خجالت بکشی

آرایه: جناس (سنگ و تنگ)، کنایه (سنگ بر پایت آید: با مشکل و سختی روبرو می‌شوی)، (جهان بر تو تنگ آید: دچار رنج و ناراحتی شوی.)

تکرار (نامه)، واج آرای (ن)



سوالات

کدام گزینه، از بیت زیر، دریافت نمی شود؟ ۱-

لباسی دوختم بر قامت دل زپود محنت و تار محبت

الف) دل جایگاه محنت و محبت است،

ب) محنت و محبت، در وجود انسان سرشته شده است،

ج) لباس دل از پود محنت و تار محبت است،

د) محنت، محبت به بار می آورد،

در بین واژگان زیر، چند غلط املائی وجود، دارد؟ ۲-

طلب عافیت، تواضع، ، تضرع، خضوع، صلاح دین، شأن و تاغت، امید بقاع، مطیع نفس، محنت و محبت، حکیم علیم

الف) سه

ب) دو

ج) یک

د) چهار

طبق سخنان امام صادق (ع)، «اگر حیا نبود، کدام گزینه، از فرموده ۳- های ایشان نیست؟

الف) هیچ کس مهمانداری نمی کرد

ب) هیچ کس به وعده ها وفا نمی نمود

ج) امانت های مردم را پس نمی دادند

د) نماز به جا نمی آوردند

کدام بیت با مفهوم «صله رحم و احسان» تقابل معنایی (معنای مقابل ۴- دارد؟

الف) بر دیدن دوستان هر از گاه شتاب زیرا که تو را هست از این باب ثواب

ب) بنگر به سفارش خدا با تأکید کو را بپرستید و به ارحام رسید

ج) گر بود کسی که انزوا پیشه کند باشد که به کار خویش اندیشه کند

د) در آیه اول تشاد آمده است کوتاهی اقوام نکوهش شده است

آرایه ادبی کدام گزینه با دیگر گزینه ها متفاوت است ؟ ۵-

الف) پیراهنی که آن پرده دل است

ب) چه کسی شش را بادزن دل قرار داده است؟

ج) کسی که به فنای عمر، یقین به هم رسانید، ناامیدی بر او غلبه می کند و امید وار نمی ماند،

د) فراموشی همانند نعمتی است در آدمی ، اگر تامل کنی عظیم تر است از نعمت یادآوری،

سوالات درست نادرست

۱_ واژه روان در جمله گلاب است گویی به جویش روان قید است. **درست نادرست**

۲_ خداوند علیم ترکیب وصفی است **درست نادرست**

۳_ محمد باقر مجلسی در دوره سلجوقی می زیست **درست نادرست**

۴_ قید از ارکان اصلی جمله است **درست نادرست**

سوالات جا خالی

۱_ در بیت دلی که سخت زهر غم تپید شاد نماند کسی که زود دل آزرده گشت دیر نزیست

..... قید به کار رفته است

۲_ آرامگاه باباطاهر در شهر قرار دارد

۳_ سنگ در پا آمدن کنایه است از.....

پاسخ ها

سوال ۱=گزینه د

سوال ۲=گزینه ب

سوال ۳=گزینه د

سوال ۴=گزینه ج

سوال ۵=گزینه ج

نادرست

درست

نادرست

نادرست

قید ۵

همدان

دچار مشکل شدن

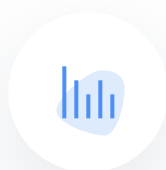
کاری از شهین دخت مخمل باف
سرگروه ادبیات شهرستان بیرجند، خراسان جنوبی





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد